

به نام خدا

عدالت آموزشی در مدارس ژاپن

در بسیاری از کشورها وضعیت اقتصادی خانواده، نقش تعیین کننده ای در دسترسی به امکانات آموزشی فرزندان ایفا می کند. فرزندان خانواده های متمول و مرفه به مدارس دارای استاندارد آموزشی بالا، امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی و علمی کافی و معلمان با تجربه و با امتیاز بالا می روند و در عوض دانش آموزان خانواده های اقشار پائین دست اجتماع به مدارس شلوغ، بدون امکانات علمی - آزمایشگاهی کافی و حتی تجهیزات ساختمانی دسترسی دارند.

اما ژاپن این قاعده را به کلی بر هم زده است بر اساس آمار سازمان همکاری اقتصادی و توسعه OECD ژاپن در بین ۳۵ کشور ثروتمند جهان در مقام نخست برقراری عدالت آموزشی قرار دارد. به طوری که تنها حدود ۹ درصد از عملکرد دانش آموزان ژاپنی تابعی از وضعیت معیشتی و اقتصادی خانواده آنها است این در حالی است که این میانگین در کشورهای مورد مقایسه، ۱۴٪ و در امریکا ۱۷٪ است. به عبارت دیگر می توان گفت که ژاپن گرچه مناطق فقیرنشین دارد اما مدارس فقیر ندارد!

در ژاپن حدود ۹۶٫۷٪ دانش آموزان دبیرستانی دیپلم می گیرند اما این رقم در امریکا به ۸۳٪ می رسد. همچنین نوجوانان فقیر ژاپنی در مقایسه با همتایان امریکایی یا بریتانیایی خود با احتمال بسیار بیشتری می توانند از فرصت برخورداری از یک زندگی بهتر در بزرگسالی به واسطه تحصیلات استفاده کنند گرچه همچنان کشورهای اسکانندیناوی در این زمینه پیشتاز هستند.

یکی دیگر از جوانب برقراری عدالت آموزشی در مدارس ژاپن نحوه به کار گیری و استخدام معلمان است. معلمان توسط نهاد رسمی آموزش و پرورش که تحت نظارت مستقیم دولت قرار دارد، استخدام می شوند و هر سه سال سوابق آنان مجدداً بررسی می شود تا ضمن کسب اطمینان از عملکرد مثبت معلم ها، جا به جایی در مدارس نیز روی دهد به طوری که هر سه سال یک بار معلم هایی که عملکرد قابل قبول و کارنامه مثبتی داشته اند، به مدارس دیگر فرستاده می شوند به این ترتیب از تمرکز معلمان در یک مدرسه خاص جلوگیری می شود و تمام مدارس از فرصت تقریباً برابری برای برخورداری از معلم های باتجربه و موفق برخوردار می شوند.

عدالت آموزشی در ژاپن به معنای توجه به تخصیص بودجه و توزیع امکانات نیز است. حقوق معلمان توسط دولت مرکزی و ادارات آموزش و پرورش محلی هر دو پرداخت می شود بنابراین چندان تفاوتی بین سطح دستمزد معلمان در مناطق مختلف کشور وجود ندارد و دستمزد آنها وابسته به سطح درآمد متوسط جامعه نیست. همچنین بودجه ای که به مدارس اختصاص داده می شود نیز بدون توجه به محله و شهر و استان، وضعیت تقریباً یکسانی دارد بنابراین یک مدرسه در یک نقطه دورافتاده و نسبتاً فقیرنشین از نظر بودجه و امکانات با یک مدرسه در قلب پایتخت، تفاوت چندانی ندارد.

شگفت آور است که ژاپن در مقایسه با سایر کشورهای ثروتمند جهان، بودجه به مراتب کمتری را صرف آموزش و پرورش می کند به طوریکه در ژاپن تنها ۳,۳٪ از درآمد ناخالص ملی صرف آموزش و پرورش می شود در مقایسه با متوسط ۴,۹٪ در سایر کشورهای مرفه جهان. همچنین ژاپن ۸,۷۴۸ دلار به ازای هر دانش آموز ابتدایی هزینه می کند در حالی که این رقم در امریکا به ۱۰,۹۵۹ دلار به ازای هر دانش آموز دبستانی می رسد.

نکته اصلی این است که گرچه ژاپن به ظاهر پول کمتری خرج آموزش می کند ولی آن را به درستی و عاقلانه مدیریت می کند. ساختمان مدارس چندان نیازی به تعمیرات ندارند. کتاب های درسی ساده و در کاغذهای ارزان قیمت چاپ می شوند، معلم ها و دانش آموزان همگی مسئول حفظ و نگهداری و تمیز کردن مدارس هستند. همچنین پرسنل مدارس در ژاپن بسیار کم تعداد هستند و معمولاً هر مدرسه از یک مدیر و چند معاون تشکیل شده و کادر اداری پر تعدادی ندارد.

جالب است که گرچه ژاپن به نسبت سایر کشورهای مرفه جهان پول کمتری را صرف آموزش و پرورش می کند اما معلمان ژاپنی درآمد بالایی دارند و بیش از حد متوسط OECD دستمزد دریافت می کنند. شغل معلمی در ژاپن بسیار با اهمیت تلقی می شود بنابراین آزمون های استخدامی و نظارت های سخت و سفتی بر روی گزینش معلمان و عملکرد آنها در سر کلاس وجود دارد. اووادا یکی از معلمان پذیرفته شده در آزمون استخدام می گوید که تنها پس از ۵ بار شرکت متناوب در آزمون بالاخره موفق به قبولی شده است و از بین ۲۰۰ شرکت کننده تنها ۵ نفر نهایتاً قبول شده اند. معلم دیگری که دوست و همکار اووادا است به گفته او هنوز موفق به پذیرفته شدن در این آزمون نشده و ناچار است قرارداد یک ساله با مدارس منعقد نماید و هر سال بین مدارس مختلف جا به جا شود. همچنین بازمینی سوابق معلمان هر سه سال یک بار سبب می شود، آنها تلاش زیادی برای بهبود عملکرد خود و داشتن سابقه خوب به خرج دهند زیرا ممکن است بعد از سه سال، نتوانند امتیاز لازم برای حفظ موقعیت شغلیشان را کسب نمایند.

طرز فکر ژاپنی در مورد آموزش تفاوت چشمگیری با بسیاری از کشورهای دیگر دارد. در نظام آموزشی ژاپن تاکید زیادی بر کسب مهارت های حل مسئله می شود به طوری که به طور متوسط در مدارس حدود ۶۰٪ از مسئله های درس ریاضی عملاً با دانش آموزان کار می شود اما دانش آموزان ژاپنی قادر هستند در آزمون های جهانی ریاضی نمرات به مراتب بالاتری به نسبت مثلاً دانش آموزان امریکایی که ۸۲٪ مسائل ریاضی را در کلاس حل می کنند کسب کنند. علت کاملاً روشن است و آن اینکه در مدارس ژاپن تمام تمرکز معلم نه بر یاد دادن ریاضی بلکه برای تشویق دانش آموزان به تفکر ریاضی و حل مسئله است بنابراین حتی با وجود اینکه تعداد مسئله های حل شده به ظاهر کمتر است اما دانش آموزان به سبب تمرین کار ذهنی و خلاقیت در پیدا کردن راه حل مسئله، توانایی بیشتری در انجام محاسبات و حل مسائل ریاضی دارند اما بسیاری از همتایان آنها در سایر نظام های آموزشی جهان به سبب تمرکز بر حفظ راه حل، عملاً قادر نیستند توانایی تفکر ریاضی را در خود پرورش دهند و عملکرد ضعیف تری در آزمون های جهانی ریاضی از خود نشان می دهند.

افت تحصیلی و دیرآموزی نیز در ژاپن یک مسئله جمعی تلقی می شود. به طوری که معلمان و کادر مدرسه خود را موظف می دانند به دانش آموزانی که به هر دلیلی از برنامه درسی عقب مانده یا عملکرد ضعیفی دارند، خدمات حمایتی و کمک درسی ارائه کنند. یک معلم ژاپنی بنابر ضوابط باید ۷ ساعت را در مدرسه بگذراند اما عملاً ساعات کاری او با احتساب اضافه کاری برای رسیدگی به وضعیت درسی شاگردان ضعیف کلاس به ۹ ساعت در روز می رسد. به عبارت دیگر این جامعه و نظام آموزشی هستند که مسئولیت رسیدگی به ضعف تحصیلی دانش آموزان را بر عهده می گیرند و اجازه نمی دهند کودکانی که از امکانات آموزشی یا پشتوانه اقتصادی و اجتماعی کافی برای همراهی با سایرین محروم هستند، از برنامه درسی جا بمانند.

نکته جالب توجه دیگر در مورد نظام آموزشی ژاپن تلاش این کشور برای کاهش شکاف بین دانش آموزان نخبه و عادی است به طوری که در این کشور عملاً چیزی به نام مدارس تیزهوشان یا نخبگان وجود ندارد و تمام کودکان و نوجوانان ژاپنی در مدارس عادی و یکسانی تحصیل می کنند. دانش آموزان قوی از نظر اخلاقی و انتظارات اجتماعی موظف هستند به سایر همکلاسی های خود در درس کمک کنند و به این ترتیب تلاش می شود سطح یادگیری همه دانش آموزان با میزان نزدیک به هم رشد کند و جداسازی دانش آموزان بر اساس هوش و استعداد و عملکرد درسی صورت نگیرد.

با توجه به همه آنچه در مورد مدارس کشور ژاپن برشمردیم به نظر می رسد سایر نظام های آموزشی جهان نیز باید بازبینی هایی را در زمینه اهداف و عملکرد خود به خصوص در زمینه گسترش عدالت آموزشی در سطح عموم دانش آموزان سرزمین خود صورت دهند و به الگوهای موفق جهانی در این زمینه نیم نگاهی داشته باشند.